

## فریدون نوزاد

## اسیری لاهیجانی

فاضلی گرانقدر، عارفی وارسته، زاهدی پاکباز و دل از علائق دنیوی گسسته و بحقیقت و صفا پیوسته بود، از دوران جوانی با بدایره تصوف نهاده و بشرف مریدی سید محمد نوربخش رسید و در عرفان آنچنان صاحب نظر گردید که بمرتبہ مرادی ارتقا یافت و دستگیری پویندگان راه حقیقت را بعهده گرفت.

شیخ محمد ملقب بد شمس الدین متخلص بد اسیری فرزند شیخ یحیی بن علی گیلانی لاهیجانی بود، پدرانیش از طبقه فضلا و محترمین گیلان بوده اند و محمد در چنین خانواده ای با بعرضه هستی نهاد و نشو و نما یافت، از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست ولی بموجب، اجازه نامه ارشادی که در دست است، شمس الدین محمد «در عنفوان شباب بعد از اکتساب علوم صورتیه . . . .» (۱) بخدمت حضرت سید محمد نوربخش رسید و بعالم فقر و تصوف مشرف گردید و «شانزده سال اکتساب کمالات روحانی و اقتباس معارف حقانی از آنجناب نموده . . .» (۲)

در این مدت طولانی شیخ شمس الدین بد ترکیه روح اشتغال داشت و صفحه باطن را از سیاهی تعلقات و هوس پاک میساخت، بمطالعه در معرفت وجود پرداخت و حقایق را شناخت و با روحی پاک و آزاد به تعمق و تفکر در اسرار آفرینش مشغول شد و در هفت شهر عشق دنیای تصوف و عرفان سیر کرد و «از اعیان و اصلاص کامل و مرشدان

۱ - مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری ج ۲ ص ۱۵۰ چاپ اسلامیه تهران .

۲ - ریاض العارفين رضاقلیخان هدایت روضه اول ص ۳۰ چاپ سنگی تهران .

مکمل ...» (۱) گردید .

اسیری سه اجازه نامه ارشاد از حضرت سید محمد نور بخش گرفت که آخرین آنها را بشرح زیر درمفاتیح الاعجاز ثبت نموده است .

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«کمل اولیاء و فحول علماء و مشاهیر محققان عرفان و اعاضم سلاطین و امرا و طالبان و قبا بلان و خواص و عوام و جمهور امت حضرت سید الانام اوصلهم الله تعالی الی سعادة معرفة المرشدين و لجة الکاملین را بعد سلام اعلام می رود که :

حامل جناب تجلی مآب قدوة المکاشفین ، عمدة الواصلین ، زبدة المحققین ، خلاصة العلماء الراسخین . تقاوة الاولیاء المرشدين من مخر الکاملین فرزند جانی شیخ محمد گیلائی ادام الله برکات تجلیاته و کمالاته در عنقوان شباب بعد از اکتساب علوم صوریه بسبب جاذبه الهی بصحبت این فقیر رسید و بشرف توبه و انابه مشرف شد و تلقین ذکر خفی گرفت و شرایط خدمت و عزلت و خلوت و صحبت چنانچه وظیفه ارباب طریقت است مرعی داشته و نتایج شریفه این مقدمات مقبوله از اطوار سبعة قلبیه و انوار متنوعه غیبیه و مکاشفات و مشاهدات و معاینات و تجلیات آثاری و افعالی و صفاتی و ذاتی و سیران و طیران در عوالم لطیفه ملکوتی و جبروتی بسنین ربوبیه و الهیه و سرمدیه و سکر از شراب بحار شراب طهور و عالم نور و فناء فی الله و بقاء بالله و مظهریه و کلیه و معرفت حقایق توحید علمی و عیانی و اتصاف بجوامع اسماء و صفات الهی بظهور پیوسته از اعیان و اصلان کامل و مرشدان مکمل شد و در صحبت این فقیر به تربیت سالکان قیام نموده و تعبیرات غریبه فرموده و ولایت وی از اطوار و انوار و مکاشفات و تجلیات بسالکان تعدی نموده ،

و چون حضرت الله تعالی ایندولت عظمی و سعادت کبری ویرا کرامت فرمود  
باشاره الهی فرزند مشارالیه را اجازه فرمودیم که .

بندگان خدا را بخدا دعوت و دلالت کند و توبه طالبان و بیعت قایلان قبول نماید  
و تلقین ذکر قوی خفی مشروط بشرایطی که در صحبت دیده و دانسته و در اربعینات متعدده  
خود بر آن مواظبت نموده بگوید و اربعین بنشیند و سالکانرا باربعین بنشانند و علوم  
شرعیه از فقه و حدیث و تفسیر و تصوف و غیره که نسبت خود را دران باین فقیر درست کرده  
است نقل کند .

سبیل همگنان آنکه ویرا در کمالات مذکوره راسخ و متدین دانسته صحبت  
شریفه ویرا معتنم شمارند و انفس متبرکه که ویرا در جمیع ابواب دینی قبول نمایند و  
هر کس از طالبان و قایلان که داعیه توبه و بیعت داشته باشد دست او را دست این فقیر  
دانسته با او بیعت و انا به کنند و ملازم صحبت و خدمت و قبول نصیحت ویرا کبریت احمر  
و اکسیر اعظم تصور نموده ، منتج خلاصی از مهالک معاصی و مثمر حصول کمالات نامتناهی  
و قرب بسراذقات حضرت الهی دانند :

وظیفه آنکه مشارالیه دعوت و تربیت و شفقت و نصیحت از بندگان حق دریغ  
ندارد و پیوسته وظایف ریاضیات و مجاهدات دارد و اوقات موظف دارد و در جمیع اوقات  
ابواب قواعد شریعت و آداب طریقت چنانکه دیده است مرعی داشته و در شب و شباب  
دقیقه از آن فرو نگذارد .

حضرت الله تعالی جمیع امت محمد را بواسطه متابعت و مباحثت کامل اولیاء و  
محققان عرفا که وارثان حقیقی حضرت مصطفی (ص) و حضرت مرتضی علی (ع) اند از  
هواجس نفسانی و وسوس شیطانی رها نیده بکمالات معنوی رساناد و مرشدان کامل و  
کاملان مکمل و هادیان سبیل را بر جاده شریعت و سجاده طریقت راسخ و مستقیم دارد و

بحرمت کمل اولیائه من الاقطاب والافراد ...» (۱)

در این فتوی نام شمس الدین محمد با القاب احترام آمیز «قدوة المکاشفین عمدة الواصلین، زبدة المحققین، خلاصة العلماء الراسخین، تقاوة الاولیاء المرشدین، مفخر الکاملین» ذکر گردیده و «نصایح وی کبریت احمر و اکسیر اعظم» شناخته شده، باینکه اجازه نامدهای زیادی بنظر حقیر رسید ولی هیچوقت ندیدم که پیری با چنین اوصاف شیخی را به جانشینی خود معرفی نماید و این موید اوج تکامل روحی و فضیلت شیخ امیری می باشد، قاضی نورالله معتقد است: «اگر جمیع سلسله نوربخشیه، بلکه تمام سلسله علیه همدانیه، بلکه کافه سلاسل صوفیه بوجود او افتخار کنند می گنجد...» (۲)

بعد از وفات سید محمد نوربخش در سال ۸۶۹ اسیری به شیراز نقل مکان نمود و در آنجا بارشاد و دستگیری خلق الله مشغول شد، از همدجا زیارت شیخ روی آوردند تا از برکت انفاص طیبیه او برخوردار گردند، برای رفاه زائران و مریدان سرسپرده پایگاهی لازم بود و بهمین جهت شیخ محمد اسیری «خانقاه عالی موسوم بخانقاه نوریه در آنجا ساخته و خلوتخانه ها در آنجا ترتیب داده ...» (۳) و خود در آنجا مقیم گردید و به تربیت سرسپردگان اشتغال ورزید، این خانقاه گویا «در محله لب آب وصل به دروازه باب السلام ...» (۴) شیراز بوده است که امروز وجود ندارد، در این باره فرصت شیرازی میگوید: «... صحن های وسیع داشته الحال آنها را بغصب برده و

۱ - مجالس المؤمنین ج ۲ صفحات ۱۵۵ و ۱۵۶ .

۲ - مجالس المؤمنین ج ص ۱۵۰ .

۳ - مجالس المؤمنین ج ۲ ص ۱۵۶ و طرائق الحقایق نایح الصدر ج ۳ ص ۱۳۰ .

۴ - طرائق الحقایق تألیف نایب الصدر باهتمام دکتر محجوب ج سوم ص ۱۳۰ .

مواشی و غیره در آن‌ها کرده و موقوفات آن را از میان برده‌اند ...» (۱) .

شمس‌الدین محمد به طریقه منتخبه و پیر خود افتخار می‌کرد و ایمان راسخ داشت و در کتاب مفاتیح الاعجاز یکایک آن‌ها را بدین شرح نام می‌برد :

« بدانکه این فقیر محمد بن یحیی بن علی علاء جیلانی لاهجی ام مرید حضرت سید محمد نور بخشم و آن حضرت مرید شیخ علاء الدوله سمنانی است و آن حضرت مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی است و آن حضرت مرید شیخ احمد ذاکر جوزقانی است و آن حضرت مرید شیخ علی بن لالا است و آن حضرت مرید شیخ نجم‌الدین کبری است و آن حضرت مرید شیخ عمار بن یاسر بدیست و آن حضرت مرید شیخ ابو نجیب سهروردیست و آن حضرت مرید شیخ احمد غزالی است و آن حضرت مرید شیخ ابوبکر نساچست و آن حضرت مرید شیخ ابوالقاسم گرگانی است و آن حضرت مرید شیخ عثمان مغریست و آن حضرت مرید شیخ ابوعلی کاتب است و آن حضرت مرید شیخ ابو علی رودباری است و آن حضرت مرید شیخ جنید بغدادی است و آن حضرت مرید شیخ سری سقطی است و آن حضرت مرید شیخ معروف کرخی است و آن حضرت مرید حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) است و آن حضرت مرید موسی کاظم (ع) است و آن حضرت مرید حضرت امام جعفر صادق (ع) است و آن حضرت مرید حضرت امام محمد باقر (ع) است و آن حضرت مرید حضرت امام زین العابدین (ع) است و آن حضرت مرید حضرت امام حسین شهید (ع) است و آن حضرت مرید امام الاولیاء علی مرتضی است و آن حضرت مرید خاتم الانبیاء محمد مصطفی است صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین » (۲) .

ناتمام

۱ - آثار العجم تألیف فرصت الدوله شیرازی چاپ سنگی تهران ص ۴۶۲ .

۲ - مجالس المومنین ج ۲ ص ۱۵۰ .